

گفت‌وگو/ سعید حجازیان: سازش تاکتیکی
دولت فعلی کلاملا اپورتونست و فرصت‌طلب است. افراش هم پوپولیست هستند و اصلا اصولگرا نیستند. اصلاح‌طلبی فقط فرم نیست و از نظر من حرکت به سمت دموکراسی است. (آیا شما به سازش با اصولگرایان هم فکر می‌کنید؟) سازش تاکتیکی بله! من کلا اعتقاد دارم سیاست جمع دو چیز است: ستیز و سازش. در واقع این دو با هم سیاست را می‌سازند. ما اصول خود را داریم و آنان اصول خود را. همان‌طور که گفتم می‌توانیم سازش تاکتیکی بر سر منافع متقابل داشته باشیم.. واضح است که با شرایط به‌وجودآمده دولت بعدی حتما برای حل کردن بحران‌های خارجی برای اقتصاد سراغ عقلا خواهد رفت. اصلا امکان اینکه دولت بعدی بدون منطق و عقل‌گرایی بتواند کشور را اداره کند یا دچار پیشرفت و توسعه شود، بدون توجه به عقل ناممکن است و البته مجبور هم هستند این کار را انجام دهند دیگر پول نفت هم تمام شده است و الان به جای پول نفت حرف از معاملات پایاپای است. حتی گفته‌اند شرایط برای اینکه دیگر از ایران نفت خریداری نشود آماده شده است و شرایطی نمونه آنچه برای عراق پیش آمده اکنون برای ایرانی‌ها قابل لمس است. مردم هم تحت فشار گرانی و تورم هستند و به‌خصوص بیکاری یک معضل بزرگ شده است.. این بحران‌ها هم طوری نیستند که بنوان با شلوغ کاری و هاله نور و شعارهای پاوه حل کنند. با شعار نمی‌شود این مشکلات را حل کرد بلکه باید با شعور حل شوند.

سعید حجازیان

گفت‌وگو/ مولوی عبدالمحید: توجه روحانی به اقلیت‌ها بیش از انتظار بود
دیدار ما با آقای حسن روحانی رئیس‌جمهوری منتخب، خوب و مثبت بود. آنچه را ما فکر می‌کردیم، دیده بودیم و شنیده بودیم از نزدیک دیدیم و احساس کردیم و حتی متوجه شدیم توجهات ایشان به مساله اقوام و مذاهب بالاتر از آنچه است که ما شنیده‌ایم. روحانی شخص توانمند، سیاستمدار و انسان باسواد است. همان‌طور که ایشان برای دولتشان عنوان «دولت تدبیر» را بیان کردند، واقعا انسان مدبری هستند. در واقع پس از این دیدار امیدوار شدیم که ایشان بتواند با تدبیر، مشکلات داخلی و خارجی کشور را حل کند. مخصوصا وقتی که باخبر شدیم می‌خواهد از اصولگرایان و اصلاح‌طلبان معذلت و هم از اقوام و مذاهب به ترتیب دولت استفاده کند، بیشتر امیدوار شدیم. بزرگ‌ترین انتقاد اقوام در گذشته درباره عدم استفاده از افراد لایق اهل‌سنت بوده که در دولت‌های گذشته از آنها استفاده نشده است. اهل‌سنت در این‌باره به کرات شکایت داشته‌اند. از افراد شایسته اهل سنت و قومیت‌ها در سطح کلان کشور و متعلقه استفاده نشده بود. هم همه اقوام ایرانی و مذاهب اسلامی را باید در کنار هم قرار دهد و هم جناح‌های مختلف باید کنار هم شروع به کار کنند. دولت تدبیر و امید می‌تواند این خواست را تحقق بخشد.. جامعه اهل‌سنت در این انتخابات حضور گسترده و فعالی داشت. نزدیک به ۹۰ درصد به روحانی رای دادند. اهل سنت مشکلات خاص خودشان را داشتند و هر رئیس‌جمهوری را که با تفکرات باز و فکسر باز دیدند بهه او رای دادند. برای همین به آقای خاتمی رای دادند که وسیع‌تر فکر می‌کرد و اکنون هم به روحانی رای دادند.

مراسم افتتاحیه

سرمقاله: «اصولگرایان و دولت روحانی»؛ امیر محبین

دولت دکتر حسن روحانی آسیب‌پذیرترین دولت است، ضمن آنکه این دولت توانایی بهره‌گیری از بالاترین ظرفیت‌ها را هم در اختیار دارد، یعنی ظرفیتی نیروی انسانی خردگرای هر دو جناح، فعلا دو قوه دیگر بنای تعامل سازنده با دولت حسن روحانی را دارند که این امر بی‌ارتباط با نوع تعامل آنها با دولت پیشین نیست، چنانچه وزرای معرفی‌شده دولت دکتر روحانی به‌درایت و حساسیت لازم گزینش نشوند و اولین «نه» را از مجلس دریافت کنند، این «نه» ممکن است چراغ سبزی برای اعمال فشار در همه وجوه به دولت نوپا باشد. سیاست کنونی اصولگرایان در قبال دولت روحانی، سیاست صبر و انتظار، البته با نگاه مثبت است. امیدواریم «دولت دکتر روحانی» ارزش این نگاه مثبت را در عمل قدر بداند.

گزارش: «بایدها و نبایدهای انتخاب اعضای دولت آینده»

مرد انتظار دارند کابینه یازدهم کابینه‌ای فرانحاحی باشد. اگرچه اصلاح‌طلبان بهشت در تلاش هستند تا دولت یازدهم را به نام خود سند بزنند اما... آقای روحانی می‌تواند با استفاده از نیروهای اصولگر! به‌خصوص در پست‌های کلان مانند معاون‌اولی دولتی به‌واقع فرانحاحی را تشکیل دهد و تیمی از راه برای تحقق حماسه اقتصادی را به‌راحتی طی کند.

ایران

یادداشت: « نقش احمدی‌نژاد در ترقی و توسعه ایران»؛ محمود عباس زاده‌مشکینی
اگر نوع موانع سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه بین‌المللی در مقابل دو کشور ایران و مالزی را با هم مقایسه کنیم، قطعاً به این نتیجه می‌رسیم که نقش احمدی‌نژاد در ترقی، توسعه و اجرای عدالت در کشور ایران بیش از نقش ماکتایر محمد در مالزی است.



جواد مرشدی

سعید محمد غرضی

مهندس سیدمحمد غرضی پس از سال‌ها دوری از عرصه سیاست با کاندیداتوری خود در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگی نو از حیات سیاسی خویش را ورق زد، برگی که فارغ از نتیجه نهایی انتخابات، چهره و لحن گفتار او را در ذهن مخاطبان ماندگار کرد. آنچه می‌خوانید حاصل گفت‌وگویی ۵۵دقیقه‌ای در ظهر واپسین روزهای بهار، با اوست:

۴ شما سال‌ها از صحنه سیاست دور بوده‌اید چه شد که به یکباره تصمیم گرفتید وارد فضای انتخابات شوید؟

با کلمه «دور»بوده، معارضه می‌کنم چون من همیشه در میدان بودم. حداقل به مدت ۴۰ عمل که شاید هم کسی قبول نکند ولی من از سن ۱۰سالگی در میدان بودم. در بعضی موارد از من دعوت شده و من مصدر شغلی شدم. مثلاً

سال ۵۸ کس خوزستان نمی‌رفت، من در دفتر امام بودم آقای هاشمی آمد به احمد آقا گفت غرضی خوزستان میره؟ به احمد آقا گفتم اگر شما اجازه بدید احمد آقا رفت پیش حضرت امام و آمد بیرون گفت امام فرمودند مشکلی نیست، دعوت کردند و رفتیم. آمدم رفتم مجلس. خدا رحمت کند مرحوم آقای رجایی گفت: وزیر نفت میشی؟ گفتم آره هر کاره‌ای که شما بگید میشم. دعوت کردند. رفتم وزیر نفت شدم. بعد اتفاقات افتاد و گفتند تو دیگه نباش. گفتم خب باش دیگه ناشیم. ما از کابینه رفتم و شب رفتیم خانه. احمد آقا ساعت ۱۰ بود به من زنگ زد و گفت آقای منظری از قم راه افتاده و رفقه پیش امام. من هم نفهمیدم. رفته گفته غرضی وزارت نفت نباشه به جای دیگه باشه. امام هم به احمد آقا گفتند برو به فلانی رنگ بزن بگو هر جایی می‌خواهی بری. برو. من هم به احمد آقا عرض کردم صبح بهتر می‌دم.

شب با خودم فکر کردم که گفتند بالاخره برو به جایی. به میز دولت نگارم فکر دیدم اون‌ی که از همه گرفتارتره وزارت پست و تلگراف همان طور که ایشان آقا گفتم میرم وزارت پست و تلگراف. **۴ آن موقع وزیر وقت چه کسی بود که شما می‌خواستید جایگزین ایشان شوید؟**

آقای نبوی بودند. آقا مرتضی نبوی. چون آقا مرتضی نبوی مورد تأیید مهندس موسوی نبود، عزل و عوض می‌شد من گفتم میرم پست و تلگراف احمد آقا گفتند اونجا که با جاست. گفتم اونجا که من رفتم برای من خوبه. من میرم اونجا. **۴ یعنی دوست داشتید در وزارتخانه‌های سخت کار کنید؟**

سال ۶۲ آن اتفاق افتاد، از آقای نبوی پرسیدم برای اینکه یک‌میلیون خط تلفن داشته باشیم چقدر پول می‌خواهد؟ گفتند ۳۰۰میلیون‌دلار. من دیدم این پول، رقمی نیست. ۳۰۰میلیون‌دلار که پولی نیست. بعد هم دیدم که اتفاقات بدی می‌افتند و آدم مشغتم می‌شود از اینکه کشور اینگونه باشد.

گفتم میرم اونجا و رفتم و دو سال بعدش یعنی سال ۶۴ بودجه وزارت مسکن و شهرسازی هفتمیلیارد تومان بود ولی من برای یک‌میلیون ساخت‌وساز ۱۰میلیاردتومان برده بودم. حالا با گرفتاری و اینها که بالاخره مجلس تصویب کرد.

۴ آقای نبوی به دلیل این جایگزینی از شما کلمه‌مند شدند؟
قطعاً ناراحت شدم. برای اینکه من و آقا مرتضی سال‌ها در کنار هم مبارزه می‌کردیم، ایشان زندان بودند. من فراری بودم. نه ناراحت نبود. ایسون هم چون با مهندس موسوی درگیری سیاسی داشت، پیدا بود که دیگه بالاخره ایشان ناراحت نیستند

من هم ناراحت نبودم. وقتی آقای منظری این کار رو کردند و احمد آقا فرمودند، آقای مهندس موسوی هم اطاعت کردند.

والا آقای مهندس موسوی هم خیلی دلش نبود البته معارض هم نبود به هر حال ما رفتیم و بسیار بسیار خوب بود. اینکه می‌فرمایید چطور شد آمدید، احساس کردم ستاده‌ای قدری سست از انقلاب و استقلال و امام حمایت می‌کنند، آدم چهار

تا حرف نو بزنم و اصلا احساس غرابت نمی‌کنم.

۴ آقای مهندس برای اینکه از متن اصلی دور نشویم بفرمایید چطور شد که بیتنام کردید؟ فرمودید که احساس کردید انقلاب سست شده و اینها، برای بیتنام با کسی مشورت کردید؟

نه! **۴ حتی با خانواده‌تان؟**

نه! خانواده‌ام کچدار و مریض رفتار می‌کردند.

۴ بفرمایید چطور شده که می‌خواهید بیتنام کنید؟

نه اطلاع نداده بودم. بحث می‌کردیم که اگر فلانی بیاید چه می‌شود و اینها نظر می‌داند. به جورایی بو برده بودند ولی من بهیشان اطلاع نداده بودم. روز ثبتنام رفتم مدارک را بردم. آخر مدارکی نمی‌خواهد چهار تا عکس و کیی شناسنامه و اینها. رفتم اونجا رسیدم اولین عکس‌العمل این بود که خبرنگار رادیو گفت

تو اطلاع‌رسانی نکردی؟ گفتم فرموده‌اند که قبل از ثبتنام کسی تبلیغات‌کنند.

۴ یعنی حتی روزی که رفتید برای بیتنام خانواده‌تان خبر نداشتند؟

بله. رفتم ثبتنام کردم و آمدم. اونوقت افتادند به جونم که چرا مشورت نکردی.

۴ حالا اگر مشورت می‌کردید و خانواده‌تان می‌گفتند به دلیل شرایط سنی‌تان بهتر است که ثبتنام نکنید، شما قبول می‌کردید؟

گوش نمی‌کردم (خنده) من خصوصیت اخلاقی‌ای دارم که

۴ یعنی منظره اینجینیی انجام داده بودید؟

منظره‌ای که منظر جنایعالی است که به‌صورت رقابت‌های انتخاباتی باشد. خبر ولی من یک سابقه بسیار وسیعی در تلویزیون در مورد نفت و اینها دارم که همش طرف‌های مقابل انگیزه سیاسی داشتند.

۴ ولی اینکه شما با هفت نفر دیگر شرکت کنید. مثلاً همان صحنه‌ای که آقای حداد کاغذ دادند بعداً هم گفتید..

اینکه من خدمتون عرض می‌کنم که من آرام بودم به اینکه زمانی برسد و من حرف بزنم. این مقطع زمانی را تشخیص دادم که باید و وقت هستیم، اونجا با حرف‌های من آشنا هستند. اینها

۴ آن وقت بازخورد بعد از مناظره‌ها چطور بود؟ مثلاً به احمد آقا گفتند برو به فلانی رنگ بزن بگو هر جایی می‌خواهی بری. برو. من هم به احمد آقا عرض کردم صبح بهتر می‌دم.

عرض به حضورتون که من چون به آدمی با خصوصیات خودم هستم و دور و بر من آدمهایی که هستند مثلاً فرضاً ۵۰ تا رفیق هستیم، اونجا با حرف‌های من آشنا هستند. اینها معمولاً می‌دونستند که پاسخ من به سوالات چه، ما سال‌ها

با هم کار کردیم و زندگی کردیم. خب اینها خیلی جواب سوال شما نیست. اما وقتی از خود مناظره بیرون آمدم و عزیزان صداسویما را دیدم خیلی بهتر من را تحویل گرفتند، فهمیدم که حرفم را زدیم.

۴ سدی می‌فرمایند: جو دانی و پرسى سوالت خطاست.

من این را می‌دانم و خودم دیدم، در اصفهان و قین کاشان بدون تبلیغات وارد شدید و سیل مردم به سمت شما سرازیر شدند و از شما سوالاتی پرسیدند. ولی مثلاً شده کسی به شما مراجعه کند و بگوید که خیلی خوب گفتید و این روند را ادامه بدهید؟

امروز صبح رفتم بودم همین سلمونی که نزدیکمان است. از سلمونی که داشتم برمی‌گشتم تا برسم اینجا شاید ۵۰۰متر هم راه نبود، دهم‌جا ایستادم و با ما عکس انداختند.

۴ تیم امنیتی هم همراهان بود؟

تیم امنیتی شخصیت‌های محترمی‌اند. به آنها گفتم که وقتی تنها راه می‌روم با فاصله با من راه بروند.

۴ بعد از کاندیداتوری و سفرهای استانی ذهنیت‌تان نسبت به مردم و مشکلات آنان تا چه اندازه تغییر کرد؟

اصلاً از کودکی ذهنیت اجتماعی من از ذهنیت‌های اداری و سیاسی خیلی قوی‌تر بود و همیشه جریان اجتماعی را قوی‌تر از جریان سیاسی و قدرتی می‌پنداشتم.

۴ یعنی بعد از کاندیداتوری تغییر زیادی احساس نکردید؟

نه، خودتان آمدید و دیدید که مردم آمدند و حرف زدند و من از آنها پیام گرفتم.

۴ مطالبات اصلی مردم از شما چه بود؟

بیشترین توجه مردم به این است که چه کسی حرف دلشان را می‌زند،

این پیام همیشه با ما بوده و در جریان انتخابات هم ادامه داشت و نکته مهم این بود که مردم حرف‌های من را هم قبول می‌کردند ولی شاید گفتند چون غرضی نمی‌تواند رای بیاورد، بهتر است برویم و به کس دیگری که رای می‌آورد رای بدهیم.

۴ و آنها که به شما رای دادند؟
آن کسانی که به من رای دادند در حقیقت با مفاهیم من یعنی توسعه‌جهویرت و توسعه اسلامیت، یک رقافت صمیمی‌تری پیدا کردند.

۴ خودتان فکر می‌کردید چقدر رای بیاورید؟

احساسم این بود که ۴۰میلیون‌نفر به پای صندوق می‌آیند و گفتم حتی اگر به من هم رای ندادند مهم نیست، بیشتر دلم می‌خواست جمهوری‌ت در مورد اجتماع انبساط پیدا کند که حالا معتقدم این ۱۵میلیون که رای ندادند نتیجه عملکرد این هشت کلندیا و رسانه‌هاست که نتوانستند مردم را از منازلشان بیرون بیاورند.

۴ برای خودتان شانس پیروزی قابل بودید؟
حضرت امیر می‌فرمایند: برای نتیجه کار کن نه برای خودت. اجر ملت این است که بیایند و خودشان را نشان بدهند، من اجرم را گرفت‌ام ولی نسبش ۲۵ به ۵۵ است.

۴ از تلخ‌ترین و شیرین‌ترین لحظه‌های این کمپین برایمان بگوئید

همه‌شان را پسندیم، همه‌شان افتخار جامعه‌اند و هر کسی که زندگی‌اش را وقف جریان اجتماعی کند روی چشم من جا دارد.

سیاست



علی‌اکبر موhtاشامی لاری

در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

باز خوانی غرضی از تجربه نامزدی

۴ ولی در مصاحبه قبلی به من گفتید در این عزیزان نفعی

نمی‌بینم که به نفعشان کنار بروم.

نفع شخصی را نگفتم، برای اینکه اگر اینها روش‌های گذشته را به کار ببرند از قدرت سیاسی کشور می‌کاهند و اگر یک دولت متورم تشکیل شود فایده اجتماعی‌اش ضعیف‌تر می‌شود.

۴ از برنامه کدام کاندیدا خوشان آمد؟

هیچ‌کدام.

۴ چرا؟

چون هیچ‌کس برنامه‌ای در مورد تورم و اشتغال که با آن می‌توان عیار دولت را سنجید ارائه نکرد و به مردم تعهدی نداد.

۴ در مورد گفتن‌ها چطور، کدام گفتن‌ها برایتان دلچسب‌تر بود؟

گفتن‌اشان را برای اداره کشور می‌پسندم ولی برای توسعه

قدرت سیاسی ضعیف می‌دانم.

۴ با تجربه‌ای که از فضای انتخابات یازدهم به‌دست آوردید، آیا در دور آتی نامزد ریاست‌جمهوری می‌شوید؟

خیلی‌ها از من سوال می‌کنند، من ۲۲ سال سن دارم. کی فردا را دیده‌کی مرده‌کی زنده، باید عمل اجتماعی را در مقطع موجود انجام داد و اینکه در آینده چه اتفاقی می‌افتد دست خداست.

۴ بله، ولی امکاش هست که مجدداً نامزد بشوید؟

این بستگی به توسعه اجتماعی شعارهای من دارد، چون هر کس این شعارها را به عمل اجتماعی برساند کار مردم را آسان کرده، من تمام انرژی‌ام را می‌گذارم که این مقوله را در جامعه تشریح کنم.

۴ اگر به شما در این دولت پیشنهاد وزارت بشود می‌پذیرید؟

من خیلی کار فیزیکی کرده‌ام، اما بهتر است کارهای فیزیکی را به جوان‌ها بسپاریم و ما برویم دنبال اینکه بتوانیم این ۸میلیون را به ۶۰-۵۰ میلیون رای برسانیم.

۴ کاندیداتوری برای ریاست‌جمهوری را سخت‌تر از آنچه که می‌پنداشتید دیدید یا آسان‌تر؟

با مردم صحبت کردن کار بسیار راحت و سادای بود و انرژی که من در این راه گذاشتم به هیچ‌وجه انرژی جدیدی نبود. در یک مقطع دوه، سه هفته‌ای توانستم حرف‌هایم را به گوش مردم برسانم و از این بابت بسیار خوشحالم.

۴ برای همین ستاد نداشتید؟

من اصلاً به ستاد اعتقاد ندارم و امیدوارم ستاده‌ها دست از سر مسوولان بردارند، آقای روحانی خودش باشد و هیچ‌کس به او فشاری نیابورد. خودش باشد، خودش باشد و خودش باشد. نه، خودتان آمدید و دیدید که مردم آمدند و حرف زدند و «کارشناسی» کرد‌اید.

هرچه مطالعه‌ام بیشتر شده به بسترهای قبلی جامعه نزدیک‌تر شدم.

دور نشدم. شما تشریف داشتید که با هم رفیق‌م آن روستا. بعد آقای هاشمی که ما را دعوت کرده بود گفت غرضی یادته که اونروز که ثبت‌نام کردی بهت گفتم برکت هست. گفت خبر نداری که چی شد. گفتم چی شد؟ گفت اومدی توی اون روستا. بعد که رفتی به خبرنگاری اونجا بود که به معلولی رو دید و بعد دلت سوخت و رفت تهران و به اسپاسر پیدا کرد و به خانواده نشستن یاسین می‌خوندند که خدا تو را حفظ کند.

۴ بله، خاتم معتقدی خبرنگار (شبکه خبر) این هماهنگی را انجام داد.
رفتی به فاصله یکی، دو ساعت دهم‌ار و بخشدار و فرماندار میان در روستا و می‌ایشان‌رو که سال‌ها حل نمی‌شد، رو حل می‌کنند.

۴ یعنی مسایل آب و اینها.

حالا همنش نه ولی حالا ما رفیق‌م اونجا تشویق شدند یا مثلاً می‌خواستند بیان من رو ببینند بعد هم من رفتم بودم.

۴ من یک سفر خوب ۳۶ساعته با شما داشتم و برخورد خوب شما را با هم می‌پنهان دیدم. یکی از کارهای جالب شما در این سفر این بود که بعد از ترک روستای محل سخرتانی برای صرف نهار با تیم همراه به یک گاوداری رفتید. آیا شما به صرف مردمی بودن‌تان افتخار دادید که توی همان گاوداری غنایخوردید؟

چه جلسه خوبی بود. اینها حدود ۲۰ نفر از صاحبان صنایع کشاورزی بودند که استخوانشان خرد شده بود. نظر مبارک‌تون هست که گفت این پسر من ۴۸ساله است مثل آدم ۷۰ساله می‌مونه، هر روز صبح می‌دود و می‌ره و میاد تا این شیر و لبنیات درست بشود. این جمع خودش الهام‌بخش خیلی چیزها بود.

۴ این درست ولی شما به صرف مردمی بودن‌تان به افتخار دادید که با آن اهالی بروید و در گاوداری غذا بخورید؟
نه اونها به ما افتخار دادند. ببینید آقای مرشدی، هرگز در طبقه صاحبان متکبران نبودم. هرگز با مردم فاصله نداشتم.

۴ آقای مهندس شما ملمو از تجربه هستم،

ولی می‌خواهم بدانم که آقای غرضی قبل از تأیید صلاحیت و بعد از انتخابات چه تجربیات جدیدی کسب کرد؟

به صراحت دیدم که تمام مخاطبان ایران و انقلاب و اسلام را در رسانه‌های بیرونی دارند مدیریت می‌کنند یعنی بعد از انتخابات دیدم که رسانه‌های خارجی مدیریت می‌کنند بر همه مخاطبان ما و خیلی دلم سوخت که چرا رسانه‌های مانمی‌توانند به اون‌ها مدیریت کنند.

۴ آن وقت آنها بر رسانه‌های داخلی ما اشراق دارند؟

اصلاً می‌گویم که رسانه‌های ما را مدیریت می‌کنند.

۴ می‌توانید مثالی بیاورید؟

مثلاً فرض کنید که در داخل کشور ما دو تا گروه هست. هم اصلاح‌طلب و هم اصولگرا.

به صراحت می‌بینم که اون رسانه‌ها تمام به‌شون رو روی این قرار می‌دهند که اینها را به یک مهندسگر بیندازند. یک کلمه مثبت از هیچ گروهی نمی‌گویند. کلمات منفی را طوری به کار می‌گیرند که شکافشون بیشتر بشه. به قدری قوی عمل می‌کنند که تمام عوامل صاحب‌قدرت این کشور را به جون هم می‌اندازند. من معتقدم که سه‌هزار نفر در خارج از کشور در شبانه‌روز کار می‌کنند و این رسانه‌ها را مدیریت می‌کنند. اعتقاد به اینه. حالا سه‌هزار نفر رو از کجا آوردم، دلیلی ندارم اما تنوع قومیتی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را می‌بینیم.

۴ این رسانه‌ها کاندید؟

«بی‌بی‌سی»، «صدای آمریکا»، «من و توه»، «اسرائیل و فرانسه».

اینها با هم مجموعاً کار می‌کنند.

۴ پس ماهواره هم نگاه می‌کنید؟

نه اینکه نگاه می‌کنم بلکه در سال ۱۳۶۷ مجوز ماهواره «هسره» را هم از مجلس گرفتم. خدا خیرشون بده اونهایی که ناشنشن وگرنه تا الان ماهواره رهر در در فضا داشتیم و محتاج ترانسپورت‌های دشمن نبودیم.

۴ من شنیدم که شما اخبار را به زبان‌های مختلف رصد می‌کنید و نماز آنها برای هم می‌گیرید.

تا بتوانم و چون داشته باشم. هم به فرانسه، انگلیسی و عربی. بعضی وقت‌ها دلم می‌سوزد که ترجمه‌ها درست نیست.

۴ بگذریم شب انتخابات راحت خوابیدید؟

این قسمت مغفول مونده سه‌هزار نفر برای این رسانه‌ها شبانه‌روز کار می‌کنند تا اسناد منتشر شود. به ۱۰هزار نفری هم در داخل کشور شاید هم بیشتر به صورت مجانی دارند کار می‌کنند که هر وقت واقعی در کشور رخ می‌دهد قبل از اینکه اطلاعات بفهمد، نیروی انتظامی بفهمد، قبل اینکه رهبری بفهمد، قبل اینکه مجلس بفهمد اینها در رسانه‌هاشان منتشر می‌کنند که دل مردم را خالی کنند. جایی هم گفتم الان هم عرض می‌کنم که ۵۰سال است که بی‌بی‌سی گوش می‌دهم. در تمام زمان محمدرضا یک حرف مثبت نشنیدیم. تماماً می‌رفت سراغ مشکلات و گرفتاری‌هایی که دولت و محمدرضا با اون‌ها روبه‌رو بودند. حمایت سیاسی می‌کردند ولی مستقیم توی این بی‌بی‌سی من نشنیدم.

۴ شما فکر می‌کنید اگر محیط رسانه‌ای ایران به شکلی باشد که بتوان اخبار را به راحتی پوشش داد، باز هم همکاری این افراد ادامه پیدا می‌کند؟

به من گفتند که ۱۵میلیون معارض هست. عرض کردم که نه! رسانه‌ها کارشان را درست انجام ندادند. رسانه‌ها می‌ترسند. از کی می‌ترسند؟ از وزارت اطلاعات می‌ترسند. وزارت اطلاعات از کی می‌ترسه؟ از دشمن خارجی. اینکه در آن شکی نیست که این دولت مستقل هست. وزارت می‌ترسد عیبی در کشور باشد. رسانه‌های خارجی بفهمند و اونرو علم کنند. دوتا ترس از دو مجموعه که هر دوشون ملت‌دوست، میهن‌دوست و کمک‌کن هستند. شما نتوانستید به دولت مستقلی را به وجود بیاورید که ۹۰صدا را رو داشته باشد. تا اینکه اینها از هم ترسند نتوانستیم. دولت‌های نیمه‌کاره مثلاً با ۲۰میلیون رای پایگاه اجتماعیشون ضعیفه و موفق نمی‌شوند و با قریوب صدقه خوبی می‌آیند و با به ذلتی می‌مانند.

۴ خبر فرمودید، شب شمارش آرا راحت خوابیدید؟

بله عزیز دلم. من طوری‌ام که هر جا باشم، خوبم. راحته. باور کن من نسبت به آینده هیچ نگرانی ندارم. ممکن است به سری بگن غلو می‌کنی. باور نمی‌کنند. خب نکنند. چون من یک‌دهه فسراری بودم در این مدت حتی یکبار هم ندویدم و مثلاً توی خیابان احساس کنم که می‌خوان بگیریم و بسدوم. یکبار هم ندویدم. حالا سینما، سطل آشغال، قهوه‌خانه، ریز زمین‌ها، بالاخره به یکجا بنام می‌بردم. می‌رفتم توی حمام به صبح تا عصر کیسه می‌کشیدم تا سلاوک نفهمه که من اونجا هستم کسی به کسی نبود. یا مثلاً می‌رفتم تجاری روزی پنج تا کمد می‌ساختم روزی ۲۰تومن هم می‌گرفتم تا کسی شک نکنه.

۴ از نتیجه انتخابات راضی هستید؟

از نتیجه سیاسی‌اش راضی‌ام ولی از نتیجه اجتماعی‌اش نه.

۴ چرا؟

به این دلیل که این گروه‌های مدعی، این انتخابات را به راحتی از سر گذراندند. سر و صداشون رو توی خیابون کردند. محاصره‌ها پلیس هم معارضشون نشد، این جای شکر دارد ولی نتایج اجتماعی‌اش نه. من بچه مسلمانم. این بچه مسلمان‌ها هم بقیه هم خدایپرستند. اینکه ندد ۵۵میلیون نفر بیان پای صندوق دلم چرکین است و به خودم نفرین می‌کنم که چرا نمی‌توانیم رضایت مردم رو به دست بیاوریم که رای آیند و بعد بالاخره به عده سر و صداشون به پا می‌شد که ۱۵میلیون نیامدند. من از این دل چرکینم.

۴ آینده تحریم‌ها و سیاست خارجی را چگونه می‌بینید؟

از این یک کلمه کیف کردم. شما مستحضرید که من گفتم

ادامه از صفحه ۳

پایبندی به انتخاب ناباورانه

تا دیر نشده مهارت‌های نیروی انسانی را دریابد که اینها را چاره کنند و منابع بودجه را آرام‌آرام از نفت جدا کنند.دولت را توانمند سازید به مهارت‌های نهفته در نیروی انسانی و گسترش دهید نیروی نظارتی آن را. این دعوی همه گرایش‌هاست که توسعه، دولت مقتدر می‌خواهد و حتی در مباحث نظری قدامی ما هم این نکته را گفته‌اند که اداره خوب جامعه دولت مقتدر و توانمند می‌خواهد. اما اینکه کدام حوزه را چه کند و چگونه نظارت کند، بعداً برای کارشناسی‌های بعدی و دولت توانمند از صدقه سر نیروی انسانی ماهر و توانمند و برنامه‌ریزی و نظارت به دست می‌آید. فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات امکان تحول در این حوزه را بسیار آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر کرده است.جناب ریسی با به سمت رآتی‌شدن پیش‌تر می‌رویم و به این‌ها هم چیز خواهیم کشید، باید به سمت رقابت پیش می‌رویم و همه چیز شکوفا خواهد شد. به‌ویژه سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های مالی که هر دو از اموات و واجبات مورد نیاز توسعه است.اولی مقدم بر دومی.

رقابت تا حد زیادی کمبود نظارتی دولت را جبران می‌کند

اگر بازار سیاسی تا حدی رقابتی نمی‌شد، شما بر ارکان دولت استوار نمی‌شدید. بازار سیاسی هرچه شفاف‌تر باشد و تعهدات مشخص‌تر و مبادله بین رعیت و حاکمان کم‌هزینه‌تر، بازار اقتصادی روان‌تر خواهد گشت و برافراختن ترس خواهد شد. به قول شاپور ذوالانکاف «هر آن‌کس که این‌م شد از کار خویش/ بر ما برافراخت بازار خویش»، کلید این یعنی در اقتصاد در بازار سیاسی است.جناب ریسی تا آنجا که برایتان مقدور است مواع را از سر راه ایجاد سازمان‌های سیاسی و بنگاه‌های اقتصادی و فعالیت آنها بردارید.ریس عزیز اصلاً وصالاً سازمان و بنگنه چه در عرصه سیاسی و چه در عرصه اجتماعی و چه در عرصه اقتصادی اختراع بشر است برای افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه و این اختراع بشر را اگرامی‌باید برد، در تعاون و همکاری است که بهره‌وری جمعیت‌ها افزایش می‌یابد و هزینه خود را کاهش می‌دهند و در سطح ملی این حرکت تبدیل می‌شود.به منبع یکران ثروت که با هیچ ثروتی آن را نمی‌توان برابر دانست. جناب ریسی، در اقتصاد، اصلی‌ترین مانع این رقابت حضور احصارات و شبه‌احصارات دولتی و شبه‌دولتی است. برای شروع و مقدم بر خصوصی‌سازی، به رقابت بین بنگاه‌های موجود در هر حوزه دامن زیند و موانع آن را برطرف کنید. لطفاً این کمک را به رعیت بکنید که در مناقصه‌های دولتی حضور یابند و در جایی که رعیت هست اجازه ترک مناصه ندهید و اعلام کنید چقدر با بخش خصوصی و رعیت است. جناب ریسی، در ادبیات گذشته تاریخی ما حتی در اسطوره‌ها حضور نظامیان در اقتصاد کشور به‌همراه تأسیل تمدن‌سازی و رقابت شده است. من هم همین مقدر این مطلب را به‌دست می‌کنم و از سفر خیرخواهی رعیت عرض شد. خاشعانه، جناب ریسی، ورود نظامی در اقتصاد یعنی تخصیص غیربهره‌مند منابع، یعنی بی‌انگیزش کردن استعدادهای رقابتی، یعنی رآتی‌کردن اقتصاد.جناب ریسی خدا شاهد است این از موضوعاتی است که در تاریخ پیش از اسلام هم نسبت به آن واقف بودند و آن را رعایت می‌کردند. به‌خود نبود که اگربردت آن روز بودند هر کاری که از رعیت برمی‌آمد را به خودشان بسپ